

اهداف وانگیزه هاوراههای مقابله بابهانه جویان ومشرکان ازمنظرقرآن کریم

معصومه لشنی زند^۱

چکیده

از زمانی که اسلام ظهور کرد همواره با مخالفتها و کار شکنی هایی از سوی مشرکان و منکران مواجه بوده است، این مخالفتها گاهی در قالب ایجاد جنگ و خونریزی با هدف حذف اسلام و گاهی تشویش در اذهان دیگران جهت سلطه فکری و فرهنگی و نا کارآمد نشان دادن دین، جلوه می نمود. البته این مخالفتها اختصاصی به دین اسلام ندارد بلکه همه ادیان و پیامبران الهی را شامل می شود. با توجه به اینکه روش تحقیق به صورت توصیفی می باشد اطلاعات بدست آمده به شیوه ی کتابخانه ای بااستنادبه آیات قرآن کریم جمع آوری شده است. اهداف وانگیزه های مشرکان از بهانه جویی ونپذیرفتن معارف الهی از جمله مباحثی است که در دو فصل به صورت جداگانه بازیرمجموعهای هرفصل در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته شده است. کلیدواژه: بهانه جویی، مخالف، عذر، مشرکان، قرآن

مقدمه

با توجه به اینکه بهانه جویی سابقه دیرینه ای دارد و هر کجا حقیقتی بوده مخالف با حق وجود داشته است و پیامبران خدا در مواجهه با مخالفین خود با چنین مسله ای روبرو بوده اند و مهمترین شاهد این ادعا قرآن کریم است که به بیان بهانه جویی ها و عذر تراشی های مخالفان پیامبران الهی پرداخته است. با آمدن دین اسلام پایه های کفر و تبعیض فرو ریخت و کسانی که دنبال حقیقت بودند با تکالیف خود آشنا شدند و صاحبان قدرت که دین الهی را مخالف با امنیت و منافع دنیوی خود می دیدند همواره به کارشکنی مشغول شدند و این مخالفت ها گاهی به راه انداختن جنگ و خونریزی و گاهی به صورت جنگ فکری و فرهنگی برای تشویش در اذهان مردم و نا کارآمدنشان دادن دین اتفاق افتاده است. یکی از این کارها بهانه جویی برای نپذیرفتن دین الهی بود که در ادیان الهی گذشته از طرف مخالفان همواره وجود داشته است.

۱- طلبه سطح دو، حوزه حضرت عبدالعظیم الحسنی

بنابراین لازم است با جستجو در آیات قرآن باروش مشرکان در بهانه جویی آشنا شد تا راههای مقابله با آنها آسانتر شود، و از افتادن در دام شیاطین بهانه جو در امان بمانیم. پژوهشی که در میان پایان نامه ها و مقاله وسایت مختلف شد موضوعی با این عنوان یافت نشد و مقاله هایی که کار شده آن جنبه هایی که ما قصد داریم بررسی کنیم نپرداخته است..

قرآن کریم به عنوان راهنمای ابدی انسانها سرگذشت انسانها را برای پند گرفتن بیان فرموده است. و از افتادن در دام وسوسه های شیطانی در جهت عدم پذیرش حق نجات می دهد و هدف از بررسی این موضوع در قرآن بخاطر این است که قرآن نقشه راه انسان در مقابله با بهانه جویان در نپذیرفتن حقوق مسلمانان در زمان حاضر خواهد بود.

اما مهمترین سوال این است که اهداف و انگیزه های بهانه جویان چیست و چطوری باید با آنها مقابله کرد که هدف این مقاله رسیدن به این سوالات است.

مفاهیم

اولین واژه "بهانه" است که کلمه ای فارسی است که به معنای بیرون کردن حریف از میدان به هر قیمت و هر صورت است.^۱ کلمه معادل آن در زبان عرب "عذر" است.

۲- عذر

عذر را در لغت چنین معنا شده است:

عذر: العُذْر: الحجة التي يُعْتَذِرُ بها و الجمع أَعذار^۲

العذر تحری الانسان ما يمحو به ذنوبه وذلك على ثلاثة اضراب: اما يقول: لم افعل، او يقول فعلت لاجل كذا، فيذكر ما يخرج على كونه مذنباً او يقول لا اعود...^۳، عذر تقاضا و درخواست انسان از چیزی که بوسیله آن گناهانش را محو بکند که بر سه قسم است:

یا اینکه می گوید آن کار را انجام نداده ام.

یا اینکه به این سبب طوری وانمود می کند و یا چیزی را بیان میکند که از گناهکار بودن بیرونش بکند.

۱- علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۶۷

۲- محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، بیروت، دارالفکر الطباعة والتوزيع دار صادر، ۱۴۱۴، ص ۵۴۵

۳- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، صفوان عدنان، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲، ص ۵۵۵

واینکه بگوید آن کار را انجام داده ام و دیگر تکرار نمی‌کنم... معذر کسی است که برای خود عذری می‌بیند و بهانه ای می‌آورد اما در حقیقت عذری ندارد. واژه معذر به صورت جمع در آیه ۹۰ سوره توبه به همین معنا آمده است وَ جَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ.

بیشتر مفسرین گفته اند معنی معذرون در آیه ۹۰ سوره توبه عذر تراشان هستند.^۱ همچنین در تهذیب اللغة آمده است: ذهب ابن عباس إلى أن الْمُعَذِّرِينَ الَّذِينَ لَهُمُ الْعُذْرُ وَالْمُعَذِّرِينَ، بالتشديد: الَّذِينَ يَعْتَذِرُونَ بِلا عُدْرٍ كَانَهُمُ الْمُقَصِّرُونَ الَّذِينَ لَا عُدْرَ لَهُمْ^۲ عذر به معنای پوزش، دلیل و بهانه آوردن برای سرپیچی از امری یا توجیه خطا و گناه خود است .

این واژه در کاربردهای اخلاقی و هنجاری به معنای اظهار اصلاح و توجیه نسبت به خطا یا امر ناخوشایندی است که از انسان صادر شده به گونه ای که قبح و کراهت از آن برداشته شود.^۳ بیان می‌سود که عذر می‌تواند به صورت ممدوح نیز بیان شود، مانند جائی که معذرت به سمت خداوند انجام می‌گیرد.

۳- منافق

کلمه بعدی واژه "منافق" است که از ریشه نفق است در قاموس آمده است: نفق در لغت نقبی است زیر زمین که درب دیگری برای خروج دارد.^۴

وجه تسمیه منافق از ریشه نفق به معنی نقب این است که از راه دین وارد و از راه دیگری خارج می‌شود.^۵ منافق کسی است که کفر خود را پنهان و ایمان خود را ظاهر می‌کند.

۴- مخالف

۱- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱، ص ۳۱۱
۱- ابومنصور محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، ص ۱۸۳
۲- حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، چاپ هشتم، بی جا، سخن ۱۳۹۳، ص ۴۹۸۶
۳- سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۹۷
۵- حسین بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۸۱۹

از دیگرواژه ها که باید مورد بررسی قرار گیرد کلمه "مخالف" است این کلمه از ریشه خلف است که در معنای ۱ اعتراض و بر ضد توافق است.^۱ باتوجه به این نکته که مشرکان نیز جزء مخالفان می باشند، کلمه مخالف مورد بررسی قرار گرفته است.

اهداف و انگیزه های بهانه جویی

هر دوستی یا دشمنی خواه الهی باشد و خواه شیطانی و یا برای امیال نفسانی باشد با انگیزه ها و اهداف مشخصی انجام می گیرد، مخالفت با انبیاء و بهانه جویی منکران نیز اهداف مشخصی را دنبال می کند که در این فصل به آن پرداخته می شود.

۱- گمراه ساختن مردم از راه حق

قرآن کریم با اشاره به افرادی که با بهانه جویی و جدال بیهوده قصد فریب مردم را در سر دارند میفرماید:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَجُودِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ ثَانِي عَطْفُهُ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِّيقِ^۲

و از [میان] مردم کسی است که در باره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می پردازد، [آن هم] از سر نخوت، تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. در این دنیا برای او رسوایی است، و در روز رستاخیز او را عذاب آتش سوزان می چشانیم.

ثانی عطفه بمعنای روی گرداندن و اعراض نمودن از راه حق و طریق خداوند و ایمان است چون کلمه ثانی بمعنای دو تا کننده و عطف بمعنای جانب است و جمعا کنایه از تکبر و پهلوی گرداندن و شانه از زیر بار تکلیف خالی کردند.

به طور خلاصه استفاده ای که از آیات شریفه می شود آنستکه بعضی از مردم کور کورانه بدون هیچ دلیل و برهان و سند روشنی از راه تقلید و تعصب در توحید الهی و صفات جمال و جلال او سخنرانی

۱- فواد افرام بستانی، فرهنگ ابجدی، مهیار رضا، تهران، اسلامی، بی تا، ص ۲۱۵

۲- حج (۲۲)، آیه ۸-۹

و خودنمایی میکنند و با آنکه حقّ بر آنها عرضه شده با تکبر و نخوت از قبول آن سربازمی زنند و استکبار دارند تا در نتیجه مردم را گمراه کنند و خودشان هم در گمراهی باقی بمانند. در آیه لیضلّ بفتح یاء نیز قرائت شده است از برای چنین شخصی در دنیا جز رسوائی و خواری نخواهد بود و در آخرت ما عذاب آتش سوزان را باو خواهیم چسانید و به او میگوئیم این برای استحقاقی است که بدست خود در دنیا برای خودت تهیه و تدارک دیده بودی و پیش فرستادی و الا خداوند عادل است و کسی را بدون استحقاق، عذاب نمیکند با آنکه اگر بخواهد بدون دلیل بنده‌ای را مغلّد در جهنّم بکند ظلم بسیار کرده است و خدا هیچ ظلم نمیکند چه رسد به آنکه العیاذ باللّٰه بسیار ظالم باشد.^۱

۲- سلطه بر دیگران

(فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَىٰ وَمَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي ءَابَائِنَا الْأَوَّلِينَ قَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَن جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَن تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ قَالَ فِرْعَوْنُ يَأْيَهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِّي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ فَاجْعَلْ لِّي صَرْحًا لَّعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكََاذِبِينَ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُم إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ)^۲

وقتی موسی آیات بین ما را برای آنان آورد، بیان کردند: «این جز سحری ساختگی نیست و از پدران پیشین خود چنین [چیزی] نشنیده‌ایم.» و موسی گفت: «پروردگارم به [حال] کسی که از جانب او رهنمودی آورده و [نیز] کسی که فرجام [نیکوی] آن دنیا برای اوست، داناتر است. در حقیقت، ظالمان رستگار نخواهند شد.»

و فرعون گفت: «ای بزرگان قوم، من جز خویشتن برای شما خدایی نمی‌شناسم. پس ای هامان برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز، شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم، و من جدّاً او را از دروغگویان می‌پندارم.» و او و سپاهیان در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و خیال می‌کردند که به سوی ما بازگردانیده نخواهند شد.

۱- محمد ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ج ۳، سوم، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸، ص ۵۹۱

۲- قصص (۲۸)، آیات ۳۶ تا ۳۹

(قَالَ يَاقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ أَلْبِغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ أَوْ عِجْ لِبَنْتِمُ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَ زَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصْطَةً فَادْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ^۱)

گفت: «ای قوم من، در من سفاhti نیست، ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیرخواهی امین هستم. آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد؟ و به خاطر آورید زمانی را که [خداوند] شما را پس از قوم نوح، جانشینان [آنان] قرار داد، و در خلقت، بر قوت شما افزود. پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار شوید.»

حضرت صالح (علیه السلام) نیز چنین می‌فرماید:

(فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَ قَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَلْبَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَ نَصَحْتُ لَكُمْ وَ لَكِن لَّا تَحُونَ النَّاصِحِينَ^۲)

پس [صالح] از ایشان روی برتافت و گفت: «ای قوم من، به راستی، من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما خیرخواهان [و نصیحتگران] را دوست نمی‌دارید.»

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) با بیان وظیفه الهی خویش می‌فرماید:

(قُلْ لَّا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَ لَّا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لَّا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِن أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَ الْبَصِيرُ أَمْ فَلَا تَتَفَكَّرُونَ^۳)

بگو: «به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است و غیب نیز نمی‌دانم و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. جز آنچه را که به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکر نمی‌کنید.»

منظور از خزینه‌های خدا، آن مقام از مقامات پروردگار است که هر بخششی که می‌کند صدورش از آن مقام است، و هیچ بذل و بخششی از آن مقام کم نمی‌شود و آن را به ستوه در نمی‌آورد، و این مقام تنها و تنها برای خدای سبحان است، زیرا غیر او هر که و هر چه باشد، از آن جایی که وجود و کمالاتش همه محدود است، وقتی چیزی را ببخشد، به همان مقدار از کمالاتش کاسته می‌شود، و کسی که اینطور است، نمی‌تواند هیچ فقیری را بی‌نیاز کند و هیچ درخواست‌کننده‌ای را راضی نماید، و هیچ سؤالی را پاسخ دهد.

۱- همان، آیه ۶۷ تا ۶۹

۲- همان، آیه ۷۹

۳- انعام (۶)، آیه ۵۰

و هدف از اینکه فرمود: "وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ" این است که من در علم به چیزی از خود، استقلال ندارم، و چنان نیستم که بی آنکه از وحی پیاموزم به چیزی عالم شوم.

و اما اینکه فرمود: "وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ" کنایه است از اینکه آثاری را که فرشتگان دارند، من ندارم، زیرا آنها منزه هستند از خواسته های زندگی مادی، از قبیل خوردن و آشامیدن و ازدواج و امثال آن، و من این چنین نیستم. و در مواضع دیگری از قرآن به عبارت: "قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ" از آن تعبیر فرموده است.

"قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ فَلَا تَتَفَكَّرُونَ" معنای این جمله این است که گرچه من در بشر بودن و ناتوانی مثل شما، لیکن این دلیل نمی شود که من شما را به پیروی خود دعوت نکنم، برای اینکه خدای متعال مرا با وحی خود به معارفی آشنا ساخته و شما را نساخته. و در نتیجه فرق من با شما مثل تفاوتی است که بینا با نابینا دارد، همانطوری که نابینا و بینا در عین اینکه در انسانیت مشترک هستند، در عین حال اوضاع و احوال آن دو حکم می کند که باید نابینا پیروی بینا را بکند، همچنین جاهل باید عالم را پیروی بکند.

۳- دستور جهاد و وعده عذاب

بعد از اتمام حجت از سوی پیامبران خداوند دستور رفتار قاطعانه با ناهلانی که قابل هدایت نیستند، می دهد.^۱

«فَاعْرِضْ عَنْهُمْ»^۲ از آنها روی بگردان.

«فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»^۳ از تکذیب کنندگان اطاعت نکن که آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا نرمش نشان دهند.

«جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ»^۴

با کافران و منافقان ستیز کن و بر آنان سخت گیری.

«هُمْ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُهُمْ»^۵ آنان دشمنان تو هستند، از آنها بر حذر باش.

۱- محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ۱۳۸۳، ص ۲۹۸

۲- سجده (۳۲)، آیه ۳۰

۳- قلم (۶۸)، آیه ۸ - ۹

۴- توبه (۹)، آیه ۷۳

۵- منافقون (۶۳)، آیه ۴

«ذَرَّهُمْ فِي خُوضِهِمْ يَلْعَبُونَ^۱» آنها را در گفتگوهای لجابت آمیزشان به حال خود رها کن تا بازی کنند.

«لَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ^۲» از کافران و منافقان اطاعت مکن و به آزارهای آنها اعتنا مکن.

گرفتاری به عذاب الهی نیز سرانجام همه منکران و مستکبران خواهد بود
(وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ^۳)
و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند، با [سزای] آنکه نافرمانی می کردند، عذاب به آنان خواهد رسید.

نتیجه گیری

آنچه در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، بررسی، اهداف وانگیزه و راههای مقابله بابهانه جویان در قرآن کریم بود. اما این بهانه جویی ها منحصر به مخالفان در عصر پیامبران نبوده و نیست، بلکه مخالفان در هر عصر و زمانی از این ترفند برای عقب نگه داشتن جبهه حق استفاده کرده اند. در زمان ما نیز نمونه های فراوانی از مخالفتها و بهانه جویی های دشمنانمان را شاهد بوده ایم، آنجایی که با جنگ و تحریم و ترور نتوانستند به اهداف شوم خود، مبنی بر ایستایی و توقف نظام اسلامی دست یابند، پیشرفتهای هسته ای ما را بهانه قرار دادند و با اتهام زنی، ما را به جنگ طلبی متهم کردند و یا به بهانه های حقوق بشری خواستند که ما را در مجامع بین المللی منزوی کنند و در حال حاضر از طریق فضای مجازی بافتنه هایی که راه می اندازند هدف اصلی آلوده کردن ذهن نوجوانان و جوانان است.

اگرچه ابزار مخالفان برای بهانه جویی در گذشته و حال تغییر کرده اما اهداف وانگیزه های آنها همان چیزی است که قرآن به ما معرفی کرده است. بنا براین لازم است با فهم و عمل به معارف بلند قرآن از افتادن به دام مخالفان و معاندان در امان بمانیم.

فهرست منابع فارسی

-
- ۱- انعام(۶)، آیه ۹۱
 - ۲- احزاب(۳۳)، آیه ۴۸
 - ۳- انعام(۶)، آیه ۴۹

***قرآن کریم (ترجمه فولاد زاده)**

۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چاپ هشتم، بی جا، سخن، ۱۳۹۳
۲. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، چاپ سیزدهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۲
۳. ثقفی تهرانی، محمد، روان جاوید، چاپ سوم، تهران، انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق
۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۵. شاه عبدالظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثنا عشری، چاپ اول، تهران، انتشارات میقات، ۱۳۶۳
۶. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
۷. طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع، مترجم: واعظ زاده خراسانی، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۸. _____، مجمع البیان، مترجم: احمد بهشتی، قم، انتشارات بیان جوان، ۱۳۸۰
۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳
۱۰. قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران، بنیاد بعثت، ۱۳۷۷
۱۱. _____، قاموس قرآن، چاپ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴

فهرست منابع عربی:

۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، محقق: جمال الدین میردامادی، بیروت، دارالفکر للطباعة والتوزیع دارصادر، ۱۴۱۴
۱۴. ازهری، ابو منصور محمد بن احمد، تهذیب اللغة، محقق: جمال الدین میردامادی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا
۱۵. افرام بستانی، فواد، فرهنگ ابجدی عربی، تهران، انتشارات اسلامی، بی تا
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان، چاپ اول، الدار الشامیه، بیروت، ۱۴۱۲
۱۷. سید قطب، فی ظلال القرآن، بیروت، دارالشروق للنشر والتوزیع، بی تا
۱۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷

۱۹. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، محقق: محمد باقر اسلامی، مشهد، نشر مرتضی، ۱۴۰۳

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲

مقاله

۲۱. www.irandoc.ir

۲۲. www.noor.org